

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

بهرام رحمانی

۱۱/۰۲/۱۴

«بعید است حقوق و دست مزد کارگران در سال آینده بالا برود»؟!

عبدالرضا شیخ الاسلامی، وزیر کار و امور اجتماعی دولت احمدی نژاد، ظهر پنج شنبه ۲۱ [دلو] بهمن ۱۳۸۹ برابر با ۱۰ فبروری ۲۰۱۱، در حاشیه جلسه «تشکل های کارگری و کارفرمایی» مازندران، در جمع خبرنگاران در پاسخ به سؤال خبرنگار مهر، مبنی بر این که آیا افزایش حقوق کارگران در سال آینده در دستور کار شورای عالی کار قرار دارد، گفت: «این موضوع اکنون با حضور نمایندگان جامعه کارگری، کارفرما و دولت در شورای عالی کار در حال بررسی است.»

وزیر کار و امور اجتماعی حکومت اسلامی ایران، بی شرمانه و وقیحانه ادعا کرد که با اجرای قانون هدف مندی یارانه ها کارگران از اقتشاری هستند که بیش ترین مزایا را از اجرای این قانون می گیرند، گفت: «به واسطه جلوگیری از افزایش تورم و قیمت ها بعید است حقوق و دست مزد کارگران در سال آینده بالا برود.»

شیخ الاسلامی، هم چنین مدعی شد تورم در کشور مهار شده و افزایش قیمت نداشتیم، افزود: در صورت افزایش حقوق کارگران احتمال نفوذ تورمی کالا در بازار دور از انتظار نیست و سبب ایجاد مشکلاتی برای جامعه کارگری می شود.

وزیر کار در حالی چنین ادعاهائی غیرواقعی و دروغین را پیش می کشد که درست ده روز قبل خبرگزاری حکومتی «ایسنا»، ۱۰ بهمن ۱۳۸۹، نوشت: «کمیته مزد استان تهران که این روزها در حال بررسی میزان دست مزد کارگران در سال آینده است، نهایتاً به این جمع بندی رسید که حداقل مزد هر کارگر در استان تهران باید یک میلیون و ۳۵۹ هزار و ۴۳۵ تومان باشد.»

علی اکبر عیوضی، رئیس کمیته مزد استان تهران، در گفتگو با «ایسنا»، در این زمینه اظهار کرد: «با بررسی هائی که انجام دادیم به این نتیجه رسیدیم که با در نظر گرفتن پنج قلم کالای اساسی بهداشت و درمان، خوراک، مسکن، حمل و نقل و انرژی دست مزد کم تر از یک میلیون و ۳۵۹ هزار و ۴۳۵ تومان در تهران زیر خط فقر محسوب می شود.»

از سوی دیگر، وزیر کار با بیان این که در مازندران به دلیل زیر ساخت های ایجاد شده و توجهات خوبی که از سوی دولت طی سال های اخیر برای توسعه زیر ساخت های این منطقه صورت گرفته سرمایه گذاری های خوبی صورت گرفت، افزود: «عملکرد مازندران در ایجاد فرصت های شغلی طی سال جاری نسبت به سال گذشته موفقیت آمیز بوده و در سال آینده این روند ادامه خواهد یافت.»

برای این که به طور مستند دروغ بزرگ وزیر کار و امور اجتماعی را نشان دهیم به نمونه هایی از اظهارات نمایندگان مجلس شان و هم چنین مسئولین خانه کارگر حکومت شان درباره بحران در صنایع و ورشکستگی آن ها و بی کارسازی های وسیع و گرانی و تورم بی سابقه ای که به ویژه به دنبال حذف سوبسیدهای دولتی در سراسر کشور در جریان است، اشاره می کنیم.

جبار کوچکی نژاد، عضو مجمع نمایندگان گیلان در مجلس شورای اسلامی، ضمن اشاره به این که گیلان با بحران شدید کارگری مواجه است گفت که دولت باید هرچه سریع تر به این بحران رسیدگی کند. این نماینده مجلس، با ابراز نگرانی شدید از وضعیت کارخانه های صنعتی گیلان خبر تلخی را داد و آن این ست که کارخانه های مهم صنعتی این استان اعم از خاور، دخیانیات، ایران پوپلین و ایران کنف در معرض ورشکستگی قرار دارند و این نگرانی وجود دارد که هزاران کارگر بی کار شوند. این عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، با اعلام نارضایتی شدید از عدم دریافت حدود ۶ ماهه حقوق کارگران برخی از کارخانه های گیلان خبر داد که وقتی وزیر صنایع به گیلان آمد استاندار واقعیت ها را بیان نکرد و طوری گزارش داد که انگار همه جا گل و بلبل است و صنعت و کارگران وضعیت خوبی دارند! این نماینده مجلس از تعطیلی کارخانه «ایران پوپلین رشت» خبر داد.

امید علی ناظری، عضو شورای اسلامی کار مازندران خبر داد که با اجرای قانون هدف مندسازی یارانه ها باید در انتظار موج جدیدی از تعطیلی کارخانه ها و تعدیل کارگران شاغل باشیم. به گفته او به دلیل کمبود نقدینگی و مشکل فروش، کارگران شاغل گرفتار مسائلی چون تأخیر در پرداخت حقوق و از دست دادن شغل مواجه هستند. او از افزایش بی کاری و شدت یافتن مشکلات طاقت فرسای معیشتی کارگران خبر داد.

عزیز اکبریان، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس، با اشاره به تعطیل شدن برخی کارخانجات نساجی، خبر داد که واردات اقلام نامرغوب، از جمله پنبه بی کیفیت، کارخانجات نساجی را به تعطیلی کشانده است. حسن ونائی، نماینده ملایر با اشاره به اجرای طرح یارانه ها نسبت به ورشکستگی کارخانه ها در پی افزایش حامل انرژی هشدار داد.

خبرگزاری موج، ۵ [جدی] دی ۱۳۸۹، نوشت، عضو هیأت مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار استان تهران از افزایش تعداد واحدهای تولیدی بحرانی در کشور خبر داد و گفت: تعداد واحدهای تولیدی بحران زا از مرز ۴۰۰ واحد تولیدی گذشت.

این نمونه ها را می توان لیست بلندبالایی کرد اما همین چند نمونه نیز به سادگی نشان می دهند که وزیر کار چون رئیس و رهبرش دروغ می گوید.

در پی حذف سوبسیدهای دولتی تورم و گرانی به طور بی سابقه ای افزایش یافته است. با تصمیم دولت سهمیه بنزین نیمه یارانه ای ۴۰۰ تومانی و آزاد ۷۰۰ تومانی خودروهای شخصی و عمومی در بهمن ماه سال جاری بدون تغییر می ماند. بنابراین، قیمت کالاهای ضروری مردم هم چنان افزایش خواهد یافت.

در حالی که پیش از این برخی مقامات دولتی وعده داده بودند دوسوم یارانه های نقدی در جیب مردم باقی می ماند، اعلام قیمت های جدید موجب شده است افکار عمومی بر سر چگونگی استفاده از این پول اضافی سرگردان شود.

به گزارش سرویس اقتصادی «آینده»؛ براساس قیمت های اعلام شده، بهای بنزین که قبلا به طور متوسط ۲۵۰ تومان بود، به متوسط ۵۵۰ تومانی تغییر کرده است، بهای گازوئیل از ۱۶ تومان به متوسط ۲۵۰ تومان یعنی ۱۵ برابر تغییر کرده است، بهای گاز سی ان جی ۱۰ برابر و بهای برق، گاز خانگی و آب بین سه تا ده برابر افزایش یافته است.

در این شرایط با توجه به آن که متوسط مصرف گازوئیل بیش از یک لیتر در روز می باشد، قیمت گازوئیل که در شرایط فعلی حدود ۱۶ تومان است، به ۲۵۰ تومان افزایش می یابد که به معنای افزایش ۲۳۰ تومانی در هر لیتر است.

هم چنین مجموع مصرف سرانه بنزین هر ایرانی کم تر از یک لیتر در روز است و قیمت بنزین نیز در هر لیتر ۳۰۰ تومان افزایش دارد. بنابراین، هر ایرانی در روز به طور متوسط باید حدودا ۵۳۰ تومان بابت افزایش قیمت بنزین و گازوئیل بپردازد و ماهیانه حدود ۱۶ هزار تومان از یارانه ۴۴ هزار تومانی مصرف می شود.

در افزایش قیمت برق و گاز نیز اگر قبض گاز خانواده ۴ نفره ای هم اکنون ۱۴ هزار تومان است، این قبض به حدود ۷۰ هزار تومان افزایش می یابد. یعنی به طور متوسط افزایش سرانه مصرف برق و گاز هر فرد حدود ماهی ۵ هزار تومان و افزایش قیمت آب مصرفی حدود دو هزار تومان است و مجموعا برای افزایش قیمت آب، برق و گاز بیش از ۱۲ هزار تومان از یارانه ۴۴ هزار تومانی مصرف می شود.

در حذف یارانه نان نیز با توجه به مصرف بالای نان در سبد خانوارهای ایرانی و ۴۰ برابر شدن قیمت آرد و افزایش بهای مصرف گاز گازوئیل مورد نیاز تنور نانوائی ها قیمت نان مصرفی روزانه هر فرد در سه وعده دست کم ۳۰۰ تومان در روز معادل ۹ هزار تومان در ماه است. اگر سرانه افزایش قیمت مصرف گاز سی ان جی و مایع و هم چنین نفت کوره را نیز که عمدتا در تولید مصرف می شود را ۴ هزار تومان در ماه در نظر بگیریم، مجموع یارانه نقدی مصرف شده به بیش از ۴۱ هزار تومان می رسد و تنها سه هزار تومان از یارانه نقدی باقی می ماند.

اکنون این مبلغ باید صرف جبران آثار تورمی طرح یارانه ها گردد، به طور مثال، افزایش قیمت کرایه مسافربری عادی بین شهری ۱۲۵ درصد اعلام شده است. در حالی که سهم افزایش قیمت سوخت در هزینه تمام شده یک سوم مبلغ فوق نیز نمی باشد، یا تاثیر افزایش شدید حامل های انرژی بر قیمت کالاها و خدمات و ایجاد تورم موضوعی است که در محاسبات فوق دیده نشده است.

با حذف یارانه ها قیمت حامل های انرژی و بسیاری از کالاها از قیمت های جهانی بالاتر رفت، در حالی که سطح درآمدها و حقوق مردم کم تر از یک چهارم درآمدهای جهانی است.

با اجرای قانون هدف مند کردن یارانه ها، قیمت هر کیلو آرد به نسبت قیمت دولتی آن ۳۳ برابر افزایش یافت و به دنبال آن نرخ نان های لواش و بربری در نانوائی ها بیش از دو برابر گران شد.

با تصمیم کارگروه کنترل بازار عرضه آرد کیلویی ۷۵ ریالی تمام شد و نانوائی ها از این پس باید هر کیلو آرد را بیش از سه برابر این نرخ بخرند و نان های بربری، لواش و سنگک را تک نرخی و چند برابر قیمت قبل عرضه کنند.

افزایش نرخ آرد، در دومین روز از آغاز اجرای قانون هدف مند کردن یارانه ها و پس از آزادسازی هفت حامل انرژی در ایران (بنزین، گازوئیل، نفت سفید، نفت کوره، گاز مایع، گاز طبیعی و برق)، اعلام شد.

به گزارش خبرگزاری مهر، قیمت هر کیلوگرم آرد نان سنگک ۲۷۰ تومان، قیمت آرد نان لواش ۲۹۰ تومان و قیمت هر کیلوگرم آرد برای پخت نان بربری ۳۰۰ تومان تعیین شده است.

قیمت گاز خانگی، به ۳۰ تا ۳۵۰ تومان در هر متر مکعب افزایش یافته در حالی که قیمت های جهانی حدود ۱۵۰ تومان است.

قیمت هر کیلووات ساعت برق به ۲۷ تا ۲۱۰ تومان افزایش یافته اما قیمت های جهانی حدود ۴۰ تا ۱۰۰ تومان است.

قیمت خودرو در داخل کشور در خودروهای تجاری حداقل ۵۰ درصد و در خودروهای سواری حداقل ۱۳۰ درصد بالاتر از قیمت های جهانی است در حالی که کیفیت شان بسیار پایین تر و مصرف انرژی و قطعات یدکی شان چند برابر بیش تر است.

افزایش قیمت ها هم چنان ادامه دارد و مقامات و مسئولان حکومتی نیز هم چنان به مردم دروغ می گویند. بنابراین، در دوره اخیر به ویژه با به اجرا گذاشتن قانون حذف یارانه ها و افزایش کمرشکن فقر و مشکلات معیشتی، دامنه اعتراضات کارگران بیش از پیش رو به گسترش گذاشته است. اکنون اکثریت کارگران ایران، علاوه بر گرانی از بی کار شدن و گرانی و تورم روزافزون، با مشکل بزرگی به نام پرداخت نشدن حقوق و مزایای خود نیز مواجه هستند. در حالی که بسیاری از کارگران و خانواده های آن ها به دلیل عدم تأمین نیازهای روزمره خود با گرانی و تورم پریشان شده اند، حتی حقوق ناچیزشان را، یعنی ۳۰۳ هزار تومان در ماه، به موقع دریافت نمی کنند.

بی کاری نیز در ایران، به اوج خود رسیده است. دو کارشناس در تهران، به نام های دکتر روحانی و دکتر مجید ابهری، گفته اند، که هم اکنون باید چیزی حدود ۴۲ میلیون نفر از جمعیت کشور در سنین جوانی به سر ببرند. اگر تعریف سن جوان میان ۱۸ سال تا ۴۰ سال تعریف شود و سنین جمعیت فعال بین ۱۴ تا ۶۴ سال تعریف شود باید گفت که سن جوانی در میان سن فعال قرار داشته و به این ترتیب ۳۰ درصد جمعیت جوان یعنی چیزی حدود ۱۲ میلیون نفر با درآمد صفر یعنی بی کاری مواجهند. بر همین اساس اگر درآمد صفر معرف بی کاری باشد، باید گفت در میان جمعیت جوان کشور، با نرخ ۳۰ درصدی بی کاری مواجه هستیم که باید در این باره تمهیدات ویژه ای اندیشیده شود.

در سی و دو سال حاکمیت جمهوری اسلامی، هیچ موقع دست مزد کارگران ایران متناسب با گرانی و تورم واقعی تعیین نشده است در نتیجه هر سال شورای عالی کار با جار و جنجال بحث تعیین حداقل دستمزدها را راه می اندازد و سران خانه کارگر نیز برای آن بازار گرمی می کنند نهایت اعلام می کنند سطح دستمزدها افزایش یافته است در حالی که هر سال سطح حداقل دستمزدها زیر گرانی و تورم تعیین می شود در واقع افزایشی در کار نیست و بر عکس، حکومت اسلامی ایران به اندازه سه دهه حاکمیت خود به کارگران و کلیه مزدبگیران بدهکار است. به ویژه در سال های اخیر بانگ مرکزی نیز به طور غیرمستقیم وارد این عرصه شده و حامدانه گرانی و تورم را پائین اعلام می کند تا دستمزدها براساس اعلام بانک مرکزی انتخاب شود.

بحران اقتصادی و سیاسی تمام جامعه ایران را فراگرفته و روزبه روز نیز عمیق تر و گسترده تر می گردد در حالی که سران حکومت اسلامی، با دروغ و تزویر و تهدید و خرافات در تلاشند افکار عمومی را از واقعیت های جامعه منحرف سازند.

بحران اقتصادی، آن هم در شرایطی بر کشور حاکم شده که تحریم های جهانی به تدریج تأثیرات خود را در جامعه نشان می دهند و حذف یارانه های بنزین و مواد غذایی، برای اکثریت مردم مشکل آفرین و کمرشکن شده اند و مشکلات مالی مردم رو به افزایش است. کمک های دریافتی مردم که دولت با آب و تاب آن را تبلیغ می کند آن قدر ناچیز است که با آن حتی پول برق ماهانه را هم نمی توان پرداخت کرد.

با این وجود محمود احمدی نژاد، رئیس جمهوری اسلامی، شنبه شب ۲۷ آذر ۱۳۸۹، در گفت و گوی تلویزیونی ۹۰ دقیقه ای با تأکید بر موضوع هدف مندی یارانه ها، با وقاحت تمام گفت: «این پول، پول ویژه ای است، کشور متعلق به امام زمان (عج) است و این پول نیز از بیت المال متعلق به امام زمان است و برکت دارد.»

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی «ایرنا»، احمدی نژاد در سفر روز چهارشنبه ۱۵ دی به سمنان گفت: «یقیناً حضرت ولی عصر اجرای هدف مندکردن یارانه ها را هدایت می کنند.»

خامنه ای نیز درباره هدف مندسازی یارانه ها گفته است: «هدف مندکردن یارانه ها امر مهم و سال ها است که جزو آرزوها است، بنده در دولت های قبل، دو سه مرتبه کتبا و شفاهاً به دولت ها گفته ام، منتها دنبال این نمی رفتند، ترجیح می دادند که بماند... ما امسال را «سال همت مضاعف و کار مضاعف» عرض کردیم، یعنی همت برتر و کار بیش تر.»

حکومت اسلامی در سی و دو سال حکومت خونین و وحشیانه و غارتگر خود، هرگز سطح دستمزدها را متناسب با گرانی و تورم واقعی در بازار و براساس نیازهای کارگران تعیین نکرده اند. از این رو، کارگران به اندازه سی و دو سال از سرمایه داران و حکومت اسلامی ایران به عنوان بزرگ ترین سرمایه دار و کارفرمای کشور، طلب کار هستند.

از سوی دیگر، افزایش سالانه و ناچیز دستمزدها که هر سال نه بر مبنای اعلام تورم توسط بانک مرکزی تعیین می شود اولاً بانک مرکزی آن را بسیار پائین اعلام می کند و دوم تورم سال گذشته در نظر گرفته می شود نه تورم سال آینده که دستمزدها برای آن سال تعیین می شوند. بنابراین، حکومت اسلامی ایران و کارفرمایان به اندازه ۳۲ سال و براساس تورم واقعی آن به کارگران بدهکار هستند.

تعیین دستمزد سال ۱۳۹۰ کارگران ایران نیز به صورت یک جانبه و توسط ارگان دولتی «شورای عالی کار»، صورت می گیرد.

مطابق ماده ۴۱ قانون کار: شورای عالی کار همه ساله موظف است، میزان حداقل مزد کارگران را برای نقاط مختلف کشور و یا صنایع مختلف با توجه به معیارهای ذیل تعیین نماید:

۱- حداقل مزد کارگران با توجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می شود.

۲- حداقل مزد بدون آن که مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی های کار محول شده را مورد توجه قرار دهد باید به اندازه ای باشد تا زندگی يك خانواده، که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می شود را تأمین نماید.»

در جلسه سه جانبه برای تعیین حداقل دستمزد سال آتی، نمایندگان دولت، کارفرمایان و کارگران شرکت می کنند. اما نمایندگانی که تحت عنوان نمایندگان کارگران در جلسات آن حضور پیدا می کنند، از سوی قانون عالی شوراهای اسلامی است که ضدکارگری ترین جناح های سرمایه داری ایران و ارگان پولیسی حکومت در درون کارگران به حساب می آید. بنابراین، حداقل دستمزد سالانه کارگران بدون حضور نمایندگان واقعی کارگران صورت می گیرد. حتی اگر فرض کنیم در این نشست سه جانبه نماینده واقعی کارگر نیز حضور داشته باشد در مقابل رأی دولت که به عنوان بزرگ ترین کارفرمای کشور محسوب می شود و هم چنین رأی نماینده کارفرمایان، در واقع در مقابل دو رأی دولت و کارفرما بازنده است. بنابراین، یکی از خواسته های کارگران، لغو مذاکرات سه

جانبه و مذاکرات دو جانبه بین نماینده واقعی کارگران و نماینده کارفرمایان است. اما اخیراً دولت احمد نژاد برای تعیین حداقل مزد کارگران برای سال ۹۰، مصوبه تازه ای صادر کرده است. متن مصوبه از این قرار است:

«وزیران عضو کار گروه وضع و اصلاح آئین نامه های قانون کار (وزرای کار، صنایع، دادگستری، کشور و جهاد کشاورزی) ماده ۵ دستورالعمل چگونگی تشکیل و نحوه اداره شورای عالی کار را اصلاح کردند. براین اساس، «عبارت مشروط بر این که در هر جلسه دو نفر از گروه کارگر و دو نفر از گروه کارفرما حضور داشته باشند» از ماده ۵ این دستورالعمل حذف و این ماده بدین ترتیب اصلاح شد: «اعضای شورای عالی کار مرکب از ۱۱ نفر می باشند و جلسات آن با حضور حداقل ۷ نفر از اعضا رسمیت خواهد داشت.» مصوبات شورا با اکثریت آراء اعضای حاضر در جلسه معتبر خواهد بود.»

تغییر این دستورالعمل، بی معنی و نمایشی بودن مذاکره بر سر تعیین حداقل دستمزدها در چارچوب سه جانبه گرایی را نشان می دهد و سیاستی برای توهم پراکنی در میان توده کارگران است. به خصوص هنگامی که دولت و سپاه پاسداران مخوف آن، بزرگ ترین کارفرمای کشور هستند و در استثمار شدید کارگران سود بیشتری به جیب می زنند، دیگر مذاکره چه معنی دارد؟! در چنین موقعیتی به درستی عبدالرضا شیخ السامی وزیر کار و امور اجتماعی رسماً اعلام کرده که دولت خود رسماً دستمزدها را تعیین کند و هم چنین رسماً اعلام کرده است که دستمزدها برای سال ۹۰، افزایش پیدا نکند. باید دید که عکس العمل توده کارگران و فعالان کارگری در این باره چه خواهد بود؟

باین ترتیب، سطح استاندارد زندگی کارگران به حدی پائین است که به تحلیل زیادی نیاز دارد. طی ۳۲ سال گذشته، سطح زندگی کارگران و خانواده هایشان دائماً سیر نزولی طی کرده است. ملیون ها کارگر زیر خط فقر زندگی می کنند. دست مزد ۳۰۳ هزار تومانی سال ۸۹ کارگران، حتی یک سوم خط فقری بود که ارگان ها و برخی مقامات و مسئولین حکومتی از جمله مرکز آمار اعلام کرده اند.

در یک کلام به طور قطعی می توان گفت که طبقه کارگر ایران، هیچ نقشی در تعیین دستمزدهایش ندارد و به دلیل این که از برپائی تشکل های مستقل خود محروم است، شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر، یعنی این ارگان های پولیسی - امنیتی حکومت در درون طبقه کارگر، به عنوان نماینده کارگر، منافع و مصالح کارفرمایان و دولت را بر کارگران تحمیل می کنند. فعالان این طبقه، هنگامی که از حقوق خود و هم طبقه ای هایشان دفاع می کنند و یا اقدام به برپائی تشکل خود می کنند بلافاصله تهدید و دستگیر و زندانی می شوند.

با این حال طبقه کارگر و فعالان آن با وجود سانسور و سرکوب شدید دست روی دست نگذاشته و از هر فرصتی برای بیان خواست ها و مطالبات طبقاتی خود بهره می گیرند. روزی نیست که در گوشه ای از کشور دست به اعتراض و اعتصاب نزنند. از این رو، طبقه کارگر ایران با تمام کمبودها و ضعف هایش، به عنوان طبقه با سرمایه داران و دولت جانی آن ها درگیر است. در حال حاضر در بسیاری از صنایع کشور، برای جلوگیری از بی کارسازی ها و دریافت حقوق معوق اعتراضات و اعتصابات در جریان است. با این حال این وظیفه مبرم فعالان و تشکل های موجود آن هاست که فوراً دست به کار شوند و طبقه کارگر را حول خواست افزایش دست مزد مطابق هزینه سبد مورد نیاز خانواده خود و تورم و گرانی واقعی در بازار، برای دست زدن به یک مبارزه سراسری بسیج کنند. بنابراین، راهی جزء توسل به مبارزه ای متحد و متشکل و آگاهانه در هر کارخانه و کارگاه و محل زیست و زندگی کارگران و بی کاران و سراسری کردن این مبارزات از طریق پیوند تشکل های موجود فعالان کارگری وجود ندارد. در حال حاضر تنها راه مبارزه برای افزایش دستمزدها متناسب با تورم واقعی و دیگر مطالبات

مزدبگیران سازمان دهی و بسیج اعتصاب توده کارگران در سطح سراسری کشور است؛ هم چنین این مبارزه برای باز کردن فضای سیاسی کشور نیز می تواند مثمر ثمر باشد، به علاوه تلاش برای اتحاد و همبستگی همه جنبش های اجتماعی و مردم تحت ستم با طبقه کارگر می تواند گام های موثر و ماندگاری را در جهت تعیین تکلیف نهائی با این حکومت جانی و تبه کار بردارد. به ویژه امروز که در سی و دومین سالگرد انقلاب ۲۲ بهمن ۵۷ جامعه مان قرار داریم با یاد و خاطره گرامی داشت مبارزات آزادی خواهانه و انقلابی سال ۱۳۵۷ مردم ایران و با نقد نقاط ضعف آن دوره، خود را برای انقلاب دیگری آماده کنیم. انقلابی که به معنای واقعی به رهائی واقعی کارگران، زنان، دانش جویان، روشنفکران و همه مردم تحت ستم و عدالت جو از یوغ و ستم سرمایه داری و حکومت جانی سرمایه داری اسلامی منجر شود!

جمعه بیست و دوم [دلو] بهمن ۱۳۸۹ - یازدهم فیروری ۲۰۱۱